

قرن بیستم

صاحب امتیاز و نویسنده اساسی : ر. میراد غنوی

مقتیاسی

به مناسبت انتخابات دوره پنجم

آدمك های چوبی

خبر ها بی استفاده برای اطفال خورد سال دوی يك چوبه خراطی شدنی با صبره با وضع بزم زرع يك آدمك كوچك چوبی درست میکنند دست های آن آدمك چوبی را طوری ترتیب میدهند كه در موقع سكوت به بالای چوب چسبیده و دست آن آدمك بحالت طبیعی متصل بر آن چوبه هودی ایستاده است شاه كار كه در این بازیچه بكار برده شده این است كه در يك ریمانی بدست و پای آن اسكات تخته بسته و از سوراخی كه در بالای آن چوبه است میگذرانند و همین وسیله هر وقت آن ریمان كشیده شود آدمك چوبی با كمال چابکی بر بالای چوبه جستن کرده و پس از رهگذر ریمانی پایین می افتد و وقتی الدوله آن بجا رسیده

صفحه ۱۷

تقاش - (پس از مدتی تقاش) به نوجوانی میگوید که - آقا پس چكار كنم تقاش - نوكری كن مراد زده دیگر هست با من بزنجار میافزودان می - پس ترا می آید یا نه تقاش - پس پدر دارم بچه كدا (با مقام) كدايم من - كدايم من - كداي بنوايم من - بسختی مبتلايم من - تقاش - از حال زار من - يتيم بی كسم بابا ندارم - آقا آقا پول يك كف نان تقاش - [با مقام] بیا همراه من ایدول - از این ویرانه شو بیرون - مكن گریه مشو محزون - كه می آتی بكار من - غم غم خورای بسر بابای تو من - بچه بیانی با من بزنجار - بچه كدا - (با مقام) غم غم يتيم - بابا ندارم - آقا آقا پول يك كف نان تقاش (با مقام) شوی همراه شب و روزم - چو بابا تو دنوتم - نورا تقاش آموزم - شوی در انظار من

جناب آقای حاجی میرزا عبد الوهاب (آن خزانه گوشت) ایشان هر وقت بر میخیزند من یقین میکنم كه آن ریمان مخصوصی را كشیده اند اگر میخوايد آن ریمان را به بیند آن ریمان غیر صحت نیست ولی يك نمونه از آن ریمان را ذیلا بنظر قارئین میرسانم

سروا مرساله و پس منسول انگلیس هادر همدان به یکی از دوستان خودشان وینس قنصل بریطانیا همدان ۲۶ شوال ۱۳۳۸

خدمت جناب خطاب دوستان انجمنهای مشفق محترم وهران آقای حاجی میرزا عبد الوهاب دامت برکاته پس از طی مراسم اراکیت و مودت باطنی لازم آید بعضی استحضار خاطر شریف مشروحه ذیل را تصدیق و بعد از اقرار اطلاعات واسطه دوسه روز قبل مجلس از کلمه آقا بان و خوانین معظم شهر تشكیل و جنبه ای هم در آنجا تشریف داشته اند و پس از مذاکرات جنبی گویا قرار شده و رای داده اند كه نكرا نی بجای به تقاضای رفع مزاحمت اغیار باستان اقدس شهر یاری شاه ایران مجاز به امانت اولاد دوسه دار از این حسن نیت جناب عالی و سایر اهالی شهر نهایت تشكر را دارم كه اغلب اوقات دقت خودشان را صرف رفع ظلم اغیار میفرمایند البته این نوع اقدامات بسیار مفید و شرمند و ناشی از جدیت اهالی و رفع اغتشاشی از خود و همراهی آنها با اشخاصی كه مكاتبات را می نمایند خواهد بود چون میدانم كه ممكن است در آنجا برای طرح همین مذاکرات حساسی تشكیل بشود و البته جناب عالی هم تشریف خواهید داشت این است بعضی اطلاع خاطر جناب عالی و عموم طبقات محترم مردم اشتهار میدارد كه در چندین قبل موقعی كه در داد جزئی اغتشاش از طرف بعضی اشخاص هرج و مرج طلب بی اهمیت شروع شده بود حضرت اجل آقای میرزا حسن خان آقاسی عراقی و ایران مجلس از طبقات اهالی بغداد تشكیل داده و خرد ایشان دران مجلس تقاضای فرموده و اشتهار داشته اند كه اهالی بغداد باید بخوبی متبوق باشند كه نظامیان دولت فخریه آنکس فقط بواسطه تقاضای مجمع اتفاق مال عهده دار تشكیل حكومت آنجا بین انهرین شده و تمام و تمام می باشد

مناسفانه رخ میدهد برای خلدو جهانی است كه ما نمیتوانیم با این آهسته آهسته حل کنیم مثلا مواج - سزمت تقاضا ما در قبل حكومت آنها بین انهرین اولاد بواسطه طول مدت جنگ بین اهالی و امتداد قبول امضاء صلح عمومی و قبول مهادنه صلح خصوصی بدون عثمانی و غیره و غیره بوده ولی من امید دارم كه دولت با این زودی ها موفق با اقدام مقصد خود بشود و متها و مهم ترین خبری كه باید خاطر نشان آقا بان نمود این است كه در هر موقع دولتی با مددگی قومیت امور جنبانی و غیره دولت و مملكت دیگری را میدهد خارج شود اول و مهم ترین شرط آن این است كه افراد و اهالی آن مملكت كه قوم لازم دارند همواره در فكر اصلاح و نظامات امور مملكتی خود باشند و تقاضای مودت كه شمس تقاضای و تقاضای خود را داده و اسباب هرج و مرج مملكت خود را از دست بهر وسیله مرتكب میشوند دولت دیگر چگونه میتواند قومیت شمارا بعهده خود بگذرد و اول چیزی كه برای اصلاح این مملكت است این میباشد خواهد بود كه اسباب انقراض مملكت را بهر شكلی كه ممكن است فراهم نموده و بحری دارند زیرا اهالی بغداد مخصوصا شورشیان باید بخوبی بدانند كه تمام اقدامات آنها بر علیه اصلاحات امور وطن خود آنها خواهد بود فقط اسباب جزئی مطلق كار هموطنان محترم خودشان خواهد كردید بطور حتم بداند من اوضاع را قدری قیاس نموده و از نظامیان دولت فخریه تقاضای رفع این زحمت و غائله بنمایم بفریت باز اندازه قشون و قوا حاضر میباشد كه هیچ قوه از بین انهرین و اعراف آن طاقت مقاومت نداشته باشد و چار بیری آزار نشود لهذا بوسیله التیماتیم شما میگویم كه بكنی در سر جای خود راحت و آرام باشید و بعد در خیال انسانی بر علیه اوضاع كزونی باشید زیرا كه فقط ضرر و مضران آن بخود شما و هموطنان محترم شما را جمع خواهد بود و در آخر نطق خودشان فرموده اند دولت انگلیس قومیت بین انهرین را فقط بواسطه تقاضای مجمع اتفاق مال عهده و كك كفايت خود گرفته (باشندای باند و ابد) هیچ وجهی انوجوه امکان ندارد كه دولت نو فخریه تقاضا در بین انهرین دارد بیرون ببرد مگر موقعی كه شوق مجمع اتفاق ملی را راضی و قانع نمایند كه دیگر بین انهرین احتیاجی بوجود و حضور قوم ندارد و خود بنهانی میتوانم حكومت خود را اداره نماید و این مسئله هم اید ممكن نخواهد شد زیرا كه بین انهرین همواره تا مدت بسیار مسامحتی محتساج بوجود

مربی خواهد بود این فوق را در نیم ماه چون قریب ۱۹۲۰ در چهل و چهارم قبل در بغداد و حضور عموم اشراف بغداد فرموده اند در تقاضای نقاضا دارد هرگاه تاگون نكرا نی طهران بخبر فرموده و بامیران امید سوادان را حمة دوست دار ارسال دارند كه دوستدار هم عین آن را با انگلیسی ترجمه و بطهران خدمت جناب وزیر مختاره دولت فخریه انگلیس ارسال خواهم داشت بدین وسیله مودت و درستی صمیمانه خود را تجدید مینمایم (قنصل و حاكم سیاسی دولت فخریه انگلیس مقیم همدان) عرض از قریب كویا روشها است معلوم میشود كه انگلیسها خود شان را با ما غیر نمیدانند بلكه خودشان میدانند با شاید فقط با آقای حاجی میرزا عبد الوهاب خودشان هستند باری از این مرساله چنین فهمیده میشود كه در كلیه تقاضا از قنصل كری و با سفارت باقی حاجی میرزا عبد الوهاب دستور داده میشود و تمام نشست و برخواست جناب ایشان متوط با سر و نهی نمایند كان دولت انگلیس است ایرایشما اینهمه همه نتیجه دوسال زمامداری و وقتی الدوله است ایرایشما فكر بكنید به بینید چند شرم آورد است كه وكیل و نماینده يك مملكت در امور جهانی رای خود را سیر اراده يك دولت دشمنی بداره گذشته گذشته است ایرایشما برای دوره پنجم در فكر باشید لافل كاری بكنید كه این قبیل مزدور ها داخل مجلس نباشند همدانیم مرساله فوق را بخوانید و فهمید كه چه آدمی با موكالت و نمایندگی از طرف شما در مجلس شورای طهران نشسته است در صورتیكه روح عموم اهالی همدان از این مرد مزجر است و ایشان در حقیقت وكیل بسر فرمانبرما سالار لشكر هستند (بخدا باریان رحم كرده و بمحمد الله این قبیل اشخاص در مجلس ناآن اندازه

بر این که اساتید بکدامه دیروز، حجت الاسلام
آقای نور الدین مجدّد ریختن این دزدی پیوستند
آقایان اهل بیت و کاتبان اهل بیت و رؤساء دوائر
و اوقاف و غیره مراسم تجلیل و اجرام بعمل
آورده در اغلب این مراسم و مجالس مجلس
حکیم منعقد است
و رودیه مجلس است
انست حاصل دیروز به نام نظام حکومت
ایالات و زمام امور متعقد حکومت سابق هم
با بطرف طوایف حرکت می نمایند
اینک ایام

در فشانند يك فرسخي منزل ظهور ابر خان
 يحيى را آسفت بمعاينه و مقارن كند
 بيايد آرد اليه از طرف دشت چگونگي ساوج
 مامور براي دستگيري و كيف آن آورند
 گون - ارق دشت نيامد داشت
 توبه يگان جمع آوري تخم مرغ
 يحيى نام پس رجب حمامي شازد
 عبد الله عطار در قريه (فرسج)
 وليت اينكه سياهه زرافات داشت آفاني
 نام الوليه بحكم استبراي و بولت ملكيت
 اري از قريه مزبور آن بي چاره را
 بدوا بحكم بفراريدن زلف هاي
 بمعاينه پس شازا به را با زلف تراشیده
 برهنه و از دحامی از رعایا - وار الاغ کرده
 آفاني حلقی که متعلق بخود اوست بفراريدند
 آفاني حمام الوليه هم از آن باد کارهای
 ايريريت ميشنند بكم ذوق آلاه شصت سال
 و سرداري هشتاد سال قملشان را مي پوشند
 رفته سوزا با اتيك ميشنند - يكي
 از ايشان بيرسد که رسي بازن
 حرم سرو کاری داشته باشد شريف
 اسلاميك مجازات مخصوصي بر او
 نموده پس از آنکه با تربيات مفصلی

نقاشی - جطور بطور مکر انسان را هم گروید و فرارند فعل بشن گروشی
نی شود مکر انسان را است که گروشی بگذارد
فرمانی - خوب هر کس لازم داشته باشد ده تومان میدهد و میدهد
دیروز یکس از عزیزان را شنیده بود منت تو ما را بدهد و به آورد
من ندادم -
نقاشی - بسیار خوب من این ده تومان را می دهم و بچه را ببرم بجهت
اینکه بدرد من بیشتر خواهد خورد (ده تومان را ده دشت بچه را می گرد)
فرمان ملی - (با شاه و آهنگار و چشم گدا می گوید) ما چه کنیم
چه میکنیم - - - - - ملی هر یک چه چه - - - - - سوار مینی افنت
لجانبه میگفت -
نقاشی - چه گفته

مظالم از بازیچه‌های فرمانفرما

محمد ولی میرزا وکیل صالح

شرح متصل حیرت آوری از طرف آقای امجدالسلطنه با اسناد و مدارک صحیحی بداره رسیده و نظام غمخواره مزبور بآن در هزار تومانی طلب حقه برادر من ارفع السلطان که از دولت بابت حقوق عقی بوده دریافت داشته و در همان موقع برادر من مقتول و اموال او غارت گردید قریب دو سال است که بدولت و پارلمان مظالم بوده و جمعی از وکلای محترم همواره دارالصلاح این امر شده اند و تاکنون به هیچوجه در مقام استرداد طلب حقه ورنه برادر من و پیامده و بامروزه فردا میگذراند و چند نفر از وکلای محترم از قبیل شاهزاده سلیمان میرزا و آقای کازرانی و آقای ممتازالتجار و آقای ناظم الدوله که در کار بوده اند و از قضیه بخوبی مطلع اند از حل مطلب عاجز گردیده اند و متاضا غمخواره بنام آزادی مطبوعات دو احقاق حق ورنه برادر مقتول و اولیاء دولت را تذکر دهیم که بحال است آفرینا عطف توجهی فرموده احقاق حق آنها را بنمایند

و ما هم بواسطه ضیق صفحات مجالنا از درج عین مکثوب و اسناد و مدارکی که بخط و امضاء خود محمد ولی میرزا میباشد خود داری نموده بمرات آتی موکول مینداریم و همین طور اولیای دولت را تذکر میدهیم که بدون ملاحظه شاهزاده بودن و وکیل بودن، بسر فرمانفرما بودن تمییز در قانون روا نداشته احتیاق حق مظلومین را فرمایند

(علاقه مندان بدین معارف را بشارت)

کاز تاریخ دوم حوت (تبریز آستان) درخت تعلیمات آقای افان و افاقه معارفی شروع میشود و هر آدمی بی سوادی که حق خواندن (الف با) را هم نتواند یک ماهه با آن توضیح بخواند که خود ایشان اختراع نموده اند فارسی خوان خواهد شد و هر کس میپندارد بدین تحصیل اسان خود را بقرائن ظاهر و باطن از این معارف غمخواره از این سبب است بعد از ظهوری دو ساعت بعد از ظهر بقراین ظاهر و باطن تعلیمات عمومی ایشان برای تدریس حاضرند استفاده نمایند - در خانه بپایست که در تحت تعلیمات این طرز جوانان شایسته و علاقه مندان به معارف این همه بدبختی که از جهل و بی علم ناشی میشود مرتفع نازیم - و شما تذکر بدهید که کلاس آگاه شایه برای تحصیل الهیه - فرانسه - روسی - انگلیسی - - - - - دایر خواهد بود مدیر فراخوانه ترمی کارگران محمود - - - - - فیهروز بخت

پوشیدن کویبی

افسوس هر وقت قلم بر دایره از شرح پریشانی بسد بطنی خود چیزی بگویم -
هر وقت خواستم خوابه دل را با یک نوک قلم بر این صفحات جاری سازم هر وقت قلم های قلب مجروحم میبرد با صدای ملایم نوک قلم هم آواز گردد و بالاخره هر وقت خواستم شرح اندرده گی خود را تحریر کنم بقدری خاطره های هولناک از مخیره ام قبور و در نظرم عرض اندام دارد که تمام مکتوبات قلمی خود را فرو بوش میکنم سینه میگرد که من تنگ آدم فریادکن افسوس صد افسوس

مقدرات تاریک من با قلم شایه بر جهره نیاگون طبیعت بدست تقدیر مرتسم شده است حس مجروحیت قلمبندی خیالی مرا آذیت میکند برای تسلیت خاطر افروزه - باز میخواهم درد دل کرده باشم اما نمیتوانم چه

بگویم چه بنویسم - با چه زبان تقریر کنم -
زیرا بقدری افسان من حساس شده -
بقدری قلمات روحی بدنام زور آور کرده اند باندازه احساسات تاریک دقیق مشاهدات روحی و معنوی مرا از فشار هولناک این حقی مسموم این جامه فاسد از مرقه رات تاریک زنده می این زندگانی شرم آور تجدید میکند که حقیقه با کمال میل از زوی مرگ دارم قاش بکمر بنه در گرداب مرگ در پیاه جال این - و تا فرورفته باین مرقعات و اطهارات و با اظهار این احساسات هم دل خوش نمیکردم

برای اینکه این ضجه ها و ناله های مظلومانه بکوش جویا فان ما نمیرسد و این کوفته شدن ساده این برادران غفلت زده ام باین حرفها گوش نمیده و از این استغاثه و فریادها چیزی نفهمیده بخود نمی آیند رانی زبندگی بی برای جبریت ما چه

بگویم و مراجعه کنید چون در این جلسه همین شده بود پیشنها دانی از طرف بعضی آقایان راجع بدستور شده و در حسب تقاضای آقای حاج میرزا مرتضی برای مطرح بودن قانون انتخابات رای گرفته تصویب شد شاهزاده محمدولی میرزا اظهار داشتند

جلدی قبل پیشنهادی بانهضای شانزده نفر از آقایان قدیم شده متاضا دارم قرائت شود پیشنهاد مزبور قرائت و مفاد آن این بود که بیلیج پنجاه هزار نفری که برای اعالیه اهالی اروپا در تجارتخانه طومانیان کثیفه شده خویش برای رفع بچارگی اهالی اروپا بلیه توقیفی تجارتخانه را با نظارت وزارت مالیه بفروش رسانند و اعالیه اهالی بالتمام کار سازی شود

بکثر از آقایان با افاقه مختصر دلی مخالفت نمودند

ماده بیست و دوم قانون انتخابات قرائت شد و مختصر مذاکره بر اطراف آن شد چون مخالفی نبود ماده بیست و یکم و بیست و چهارم قرائت و بلیج دوفتر از ماده بیست و پنجم دوباره بیست و ششم و بیست و هفتم قرائت کردند و مطالبات لازمه راجع بمواد بیست و هفتم و آقای اقبال السلطان بلیک روزمره دادند و رای گرفتن مخالف بوده چرا که اولاً باعث پیش آمد بعضی اشکالات برای انجمن های نظار خواهد شد و بجز اعمال نفوذ های شخصی هم در آن میشود و عقیده شان این بود که بکفره معرفی گرفته بوقتی دیگر اراام طوراً نوشته در صندوق ایشان که تا درجه فکر کرده شاید از تحت نفوذ اشخاص فرار کرده نه اینکه بکلی سلب هات از آنها شده بود و ورنه در تحت نفوذ اربابان خود بشهر آمده فی الفور اخذ معرفی نموده اسم ارباب را بنویسد و در صندوق انداخته مراجعت کنند

عین شده قرائت شد حاکم شرع مجازات نماید به حکومت محل یا رسته بایشان که با آن پوزا نیک بکشد صد تخم مرغی دریافت نمایند را تراشیده این آبادی آن آبادی قرن بیستم

اوضاع گرماشاه

ریکه اطلاع حاصل نموده ایم اوضاع اهالی بجز بک شاهزاده نصرت الدوله س انتخابات جدید بطوری وخیم و شده است که شب و روز در کچه ها پامس چندین نظامی عراقی و سوار و پیاده از مکتدین نصرت الدوله هم بخواند با آنرا یک وکیل شود زور کش و از این جهت سبب امنیت اعالیه گردیده و وفور گرفته این هرج و مرج بدسایس مختلفه بالا کشیده و اوضاع نری را خواهد آورد

الاشورای ملی

لایحه مذاکرات دوم یکشنبه بحوت لایحه ریاست آقای مؤمن الملک تشکیل شد جلسه دوم قبل قرائت و بلیک فتره تصویب کردند

دو آقای رئیس برای تجدید اجازه بی دقروژه آقای مساوات بواسطه امتداد کسالت ایشان که بگویند هم تصویب بود رای گرفته تصویب شد

آقای شیخ اسدالله با این قبیل اجازه غالب بوده و عقیده داشتند که شخص لایحه از مجلس تقاضای مرخصی کند فقط بصندیق طبیب از حضور در مجلس خواهد بود

آقای رئیس چون این عقیده مخالف لایحه است اگر پیشنهادی داشته باشند

صفحه ۱۹

فرمان مل - هیچ سفارش کردم بشما خوب خدمت کند که شما از او راضی باشید - (فتش و پنجه گدازها در خارج می شد) قرائت ملی - (با خود) ای لال یک بطنی بپرا این مرد خواهد آورد یک چیز را خواهد دیدد امروز خوب لقه گیر آمی (بکثر حال با بیانه و انوری و گله بازش را برای دفع خشمی بزمین می گذارد فرمان عل - (پنجم تب می بکشد) ما ها تو عهد ما شمس پیر حاج محمد رضا اوف اوف بونی - (خیال زنی طولانی می کشد) فرمان علی - چرا این روز اندادی پدرت که دا را ای آلف و اوف دوران تجارت خانه شما هم اوف اوف بود جمال - ای بابا و فور و فور دیگر چه بگویم داه سهری می کشد آملک خوشتری

هر که اندر زندگی با بند بر تریاک شد زنده نازد در حساب او را حسابش باشد هر جوانی یک دو سال لب باین هنریت زد پیرشد فریوت شد مرد استخوانش خشک شد بارها بیدم گزین سر ما به ادب او فقر کترین بی چیز و با نروت تر بن ملک شد